

به نام خدا

آغاز سینما تا اکسپرسیونیسم در سینمای آلمان
(۱۹۲۰ به بعد)

مصطفی ملک‌مکان

سر شناسه: ملک مکان، مصطفی، ۱۳۶۶-
عنوان: آغاز سینما تا اکسپرسیونیسم در سینمای آلمان (۱۹۲۰ به بعد)
نام پدیدآور: مصطفی ملک مکان
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.
مشخصات نشر: شیراز، شهد سخن، ۱۳۹۵
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۸۴-۳۸-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: سینما- آلمان- تاریخ
Motion Pictures-- Germany-- History
موضوع: اکسپرسیونیسم در سینما
Expressionism in motion pictures
موضوع: سینما- نقد و تفسیر
Motion pictures-- Reviews
رده بندی دکنده: ۱۳۹۵/۵/۷م ۱۹۹۳/۵/۷
PN
رده بندی دهی: ۷۹۱/۴۳۰۰۴۳
شماره کتابشناسی ملر: ۴۳۱۷۷۱۰۰

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۸۴-۳۸-۷

انتشارات شهد سخن
شیراز- فلکه هنگ- ساختمان سپهر- شماره ۱۷
فکس: ۰۷۱۱-۲۳۳۳۷۰۴
همراه: ۰۹۱۷۷۰۲۰۵۲۴

Email: javid207m@yahoo.com

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه:	۵
برادران لومیر:	۹
ویژگی های فیلم های لومیرها:	۱۵
فیلم های لومیرها:	۱۶
ژرژ مے لیس (George Melies):	۱۷
حرفه فیلم سفر به ماه ۱۹۰۲ ژرژمه لیس:	۲۲
فیلم های معروف ژرژمه لیس در مقام کارگردانی:	۳۰
توماس آلوآ یسور Thomas Alva Edison و دستگاه کینه توسکوپ:	۳۲
ادوین پورر - ساخت بزرگ قطار:	۳۸
آثار ادوین اسرین در مقام کارگردانی:	۳۹
سرقت بزرگ قطار:	۴۰
سینمای فرانسه در آغاز قرن بیستم:	۴۲
فویلاد در سینمای فرانسه:	۴۹
سینمای ایتالیا در آغاز قرن بیستم:	۵۳
بخش پیرامون فیلم کابیریا ساخته جیرارنی آرونه:	۶۵
سینمای آلمان قبل از دوران اکسپرسیونیسم:	۶۹
اکسپرسیونیسم در سینمای آلمان:	۸۲
نفوذ تفکر اکسپرسیونیسمی در سینمای آلمان:	۹۰
مشهورترین فیلم های اکسپرسیونیسمی و کارگردانان اکسپرسیونیستی:	۹۴
تتافون هاربو: (Thea von Harbou) (۱۸۸۸-۱۹۵۴):	۱۱۶
فیلم های خانم تتافون هاربو در مقام فیلمنامه نویس عبارتند از:	۱۱۸
فریدرک ویلهلم مورناو: (F.W. Murnau) کارگردان آلمانی (۱۸۸۸-۱۹۳۱):	۱۱۹
اریش پومر: (ERICH POELLER) آلمانی تهیه کننده (۱۸۸۹-۱۹۶۶):	۱۲۰
آثار سینمایی اریش پومر در مقام تهیه کننده:	۱۲۳
فریتز لانگ (Fritz Lang) آلمانی کارگردان (۱۸۹۰-۱۹۷۶):	۱۲۵
فیلم های فریتز لانگ در مقام کارگردانی:	۱۲۹
سینمای شوروی قبل از انقلاب:	۱۳۰

۱۳۵	سینمای شوروی در دهه ۱۹۲۰:.....
۱۴۳	فیلمسازان بزرگ شوروی پس از انقلاب.....
۱۴۴	ژیگاورتوف (DSluga یا DSluga Verrov).....
۱۴۵	فیلم‌های ژیگاورتوف در مقام کارگردانی.....
۱۴۷	خانواده کافمن (ورتوف):.....
۱۴۹	وسو ولد پودوفینک: (1893-1953) Wesewoled Pudowkin.....
۱۵۳	الکساندر داوژنکو:.....
۱۵۶	سایر سینماگران بزرگ شوروی و آثارشان.....
۱۵۹	ل. کلسوف: (1899-1970) (Lew Kuleschow).....
۱۶۰	ژیکوری کوزیتسف و لئونید تراوبرگ:.....
۱۶۳	سنت گرابا - در سینمای شوروی:.....
۱۷۳	مشهورین صحنه‌های فیلم:.....
۱۸۷	سینمای ناطق:.....
۱۹۶	سینمای شوروی در ناطق:.....
۲۰۱	نگاهی مختصر به فیلم‌های آلمان در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول.....
۲۰۲	۱- اسکار مستر.....
۲۰۳	۲- پاول دیویدسون:.....
۲۰۴	تشکیل یوفا (UFA):.....
۲۰۴	۱- دیولیگ:.....
۲۰۵	۲- یوفا (BUFA).....
۲۰۶	اکسپرسیونیسم از چه تأثیر گرفت و بر چه تأثیر.....
۲۰۶	اکسپرسیونیسم و رئالیسم:.....
۲۰۷	اکسپرسیونیسم و فوتوریسم:.....
۲۰۷	اکسپرسیونیسم و رمانتیسم:.....
۲۰۸	سینمای اکسپرسیونیسم و گوتیک:.....
۲۰۸	اکسپرسیونیسم و امپرسیونیسم:.....
۲۰۸	تئاتر اکسپرسیونیسم:.....
۲۱۰	طراحی صحنه در نمایش‌های اکسپرسیونیستی:.....
۲۱۱	از اکسپرسیونیسم کالیگاری تا تثبیت:.....
۲۱۳	دومین دسته فیلم‌های بعد از کالیگاری (تقدیر):.....
۲۱۳	سومین دسته فیلم‌های بعد از «کالیگاری»:.....
۲۱۴	خصیصه‌های سینمای اکسپرسیونیسم:.....

از ۲۸ دسامبر سال ۱۸۹۵ که برادران «لومی یر» اولین نمایش سینمایی خود را در گراند کافه بلوار کاپوسین پاریس برگزار کردند، سال‌های طولانی می‌گذشت. در آن دوران کسی تصور نمی‌کرد اختراع دستگاه سینماتوگراف توسط لومیه‌ها، عریضی همه مرزها را در نوردد و جهانی شود و پدیده‌ای به نام سینماتوگراف در مدتی کوتاه توسط صدها میلیون نفر در سراسر جهان با آغوش باز استقبال گردد. در آن موقع حتی خود لومی یرها نیز اختراع خود را جدی نگرفتند و اگر سخن «لوئی لومیر» را خطاب به «ژرژ مولیس» که داوطلب خرید دستگاه آن‌ها بود، بپذیریم بیش از پیش به بی‌اهمیت تلقی کردن سینما در آن دوران پی می‌بریم.

لوئی لومی یر خطاب به مهلیس چنین گفت:

دستگاهی که شما خواهان خرید آن هستید، صرفاً یک وسیله رفع کنجکاوی است. این دستگاه و نمایش توسط آن هیچ آینده‌ای ندارد و شما با خرید آن قطعاً ورشکست خواهید شد.

برخی معتقدند که لوئی لومی یر در بیان این حرف صداقت نداشته. زیرا بزودی صدها از این دستگاه را تولید کردند و با استخدام فیلم‌برداران و کارگردانان آن‌ها را به اقصی نقاط جهان فرستادند و هزاران فیلم تهیه کردند. لیکن علیرغم این عقیده مشاهده می‌شود که این دو برادر دنباله کار را نگرفتند و کمپانی و کسب خود را توسعه ندادند. بلکه بزودی همه چیز

را واگذار کردند و به شغل و فعالیت دیگری پرداختند که گویا آگوست به کار عکاسی خود برگشت و لوئی که شیمیدان بود به تحقیق در مورد رنگ در فیلم و سینما پرداخت. ضمناً ثابت شده است که آن‌ها از رهگذر سینما و دستگاه سینماتوگراف (Cinematograph) خود هرگز پول و ثروت چندانی فراهم نساختند.

طرز تلقی از بی‌آیندگی سینما را حتی در رفتار «توماس ادیسون» نیز می‌توان دریافت. با وجود این که ادیسون با کمک و یاری «ویلیام دیکسون» (William Dixon) و اختراع دستگاه نمایش خود به نام «کینه توسکوپ» (Kinetoscope) و تأسیس استودیو فیلمبرداری و ساخت فیلم «بلک مریا» (Black Maria) فعالیت‌ها و خدمات فراوانی در سینما صورت داد، لیکن به دلایل فراوان بزودی دلسرد شد. ادامه کار را رها کرد و به فعالیت و پژوهش در زمینه‌های دیگر و به خصوص صدا در سینما روی آورد و از میدان رقابت صنعتی، هری، اقتصادی سینما کنار رفت.

در دوران اولیه اختراع سینما، این پدیده که هنوز معلوم نبود هنر است یا صنعت، دانش است یا تجارت، گرچه توانست به علت جذابیت‌های خاص خود نظر عامه ساده اندیش را که پیوسته به دنبال گذراندن اوقات فراغت و دستیابی به سرگرمی بودند، جلب کند، لیکن واقعاً این پدیده جذاب در آن دوران چندان جدی گرفته نشد. حتی نابغه‌ای چون «لویی لومیه» نیز که با اشتها و انگیزه قوی وارد این عرصه شده بود، به علت این که در صحنه نمایش به شعبده بازی و تردستی می‌پرداخت.

مشتاق بود که ترفندهای شعبده بازانه را در سینما نیز بیازماید لذا از همان ابتدا که نظرش به سینما و دوربین فیلمبرداری و نمایش «لومییر»ها جلب شد، ذهنیت و هدف داخل کردن شعبده در سینما را در نظر داشت. به همین

جهت تا زمانی که در اثر تصادفی پیش پا افتاده به نقش حرکت و توقف دوربین در ناپدید و پدیدار کردن اشیاء پی نبرده بود، ناامیدانه و بدون انگیزه به کار با دوربین مشغول بود، لیکن پس از شناخت حقه‌ها و تروکارهای سینمایی و وارد ساختن آن‌ها در سینما مشتاقانه به این پدیده روی آورد و به کار تولید فیلم‌های به قول خود جادویی، تردستانه و شعبده بازانه پرداخت و در این‌ها به گذر صدها فیلم کوتاه و بلند فانتزی و سحرآمیز ساخت.

سینما از سال ۱۹۰۸ یعنی ۱۳ سال پیش از اولین نمایش لومی‌یرها و اعلام اختراع سینما وارد حوزه تجارت و صنعت شد و اقتصادی گشت. از ۱۹۱۰، بعد از تأسیس کمپانی‌های فیلم سازی در آمریکا و اروپا مانند پاته و گومور، در فرانسه، نوردلیک در دانمارک و نیز در سایر کشورهای اروپایی بخصوص آلمان، سوئد و انگلستان تولید فیلم بصورت انبوه و با اهداف اقتصادی آغاز گشت و، برای نپایید (بخصوص پس از جنگ اول جهانی) که به صنعت معطوف بود آوای تبلیغ شد.

پس از جنگ اول جهانی غول فیلم سازی و سینمایی جدیدی وارد عرصه سینما گشت یعنی اتحاد جماهیر شوروی و روسیالیستی با نوآوری چون آیزنشتین، پدوفکین، ژینگاورتوف، برادران واسیلیف، الکساندر داورنکو، ویکتورتورین و دیگران که باعث ارتقاء هرچه بیشتر سینما شدند. بعلاوه با پیدایش سبها و مکتب‌های بزرگ سینمایی چون آتسپر، یوگن در آلمان، سوسیال-رئالیسم در شوروی، سینمای مستند در انگلستان، سینمای تاریخی در ایتالیا و سینمای تاریخی تجملی ارنست لوییچ یعنی با ارتباط از نیمه دوم دهه ۱۹۲۰ یعنی از ۱۹۲۵ به بعد اتفاق دیگری در سینما روی داد و آن ورود صدا در سینما بود. گرچه در ۱۹۲۶ اولین فیلم ناطق بنام خواننده جاز، صدا را در سینما معرفی کرد لیکن اولین فیلم سینمایی به

مفهوم واقعی در سال ۱۹۲۹ و با فیلم برجسته کارگردان بزرگ آمریکا «کینگ ویدور» یعنی «هاله لویا» بود که صدا و مناطق را وارد سینما کرد و موجب ارتقاء کیفی بیشتر در جهان شد و بالاخره ورود رنگ به سینما و ابداع تکنیک جدید فیلم برداری تکنی کالر، تکنی راما، ویستاویژن، سینما اسکوپ، پاراویژن و بعدها سینه راما، سینما به شکوفایی بیشتر دست یافت. برخی معتقدند که سینما یک شبه ره صد ساله پیموده است. البته که چنین نیست. سینما بتدریج، به آهستگی لیکن خستگی ناپذیر به اوج خود رسید. پیشرفت‌ها و فعالیت‌های پیوسته و شبانه روزی و پشتکار تحسین برانگیز هزاران هنرمند، پژوهنده، صنعتگر، دانشمند، فیلمساز و برنامه ریز سینما را رشد داد و به سطح فعلی رساند. لیکن بایستی پذیرفت که این پدیده خود امانت‌گانه، نیست، استعدادهای و ویژگی‌های برجسته فراوانی را به طور بالقوه در خود داشت که به تدریج بالفعل شدند.

امروزه سینما جهانی شده است و یکی از پیشرفت‌های هر کشور را با تعداد فیلم‌های تولیدی آن در هر سال می‌شناسند بعلاوه رقابت‌های تنگاتنگ هنری، صنعتی و اقتصادی بین کشورهای د زمینه سینما این هنر و صنعت را هر چه بیشتر رشد داده است.

امروزه همچون شروع پیدایش سینما این بحث هنوز ادامه دارد که سینما واقعاً چیست؟ آیا صنعت، هنر، تکنیک، دانش، تجارت، کدام یک از این‌هاست؟ رشد و اعتلاء فوق‌العاده کمی و کیفی سینما تقریباً جواب این سؤال را داده است، سینما همه اینها است، یعنی ترکیبی از این پنج وجه است.

در فیلم‌های ۱۹۸۰ به بعد که انواع تکنیک‌ها و مهارت‌های علمی و صنعتی در جهت هر چه بهتر جذاب تر کردن فیلم‌ها صورت گرفت و با سرمایه گذاری‌های چند صد میلیون دلاری برای فیلم و انتظار بازگشت سرمایه به

همراه سودآوری کلان و نیز تأسیس دانشگاه‌های متعدد جهت آموزش شاخه‌های متعدد فیلم سازی موجب شده این نتیجه گیری به عمل آید که سینما هم هنر است هم دانش، هم صنعت و هم تجارت، هم تکنیک است و هم ذوق و احساس.

برادران لومیر:

اجماع نظر تاریخ نگاران سینما بر این است که برادران لومیر (اگوست و لویی) مخترع و بنیانگذاران بر حق سینما هستند منتهی نمی‌توان منکر آن شد که بسیاری مطالعات و تحقیقات که بوسیله با کوشش‌های مداوم بود راه را برای برادران ه در کرد.

۱. در سال ۱۸۲۹ که در نگاه عکاسی توسط نیپس (Niepce) و داگر (Dayuerre) اختراع شد در همان وقت فکر به حرکت در آوردن تصاویر نضج گرفت. در همان سال یک نژیکدان مشهور بلژیکی به نام ژوزف پلاتو (Joseph Plateau) گفت که اثر هر تصویری برای مدت کوتاهی حدود یک دهم ثانیه در چشم باقی می‌ماند.

اساس پیدایش سینما را باید در کوشش دانشمندان و صنعتگران کشورهای مختلف دانست که سعی در یافتن طریقی جهت عکاسی پیدر پی از اشیاء متحرک و نمایش آن‌ها بصورت مسلسل گونه مرئی مداوم می‌کردند و در این میان تلاش‌ها و مطالعات ایتن ژول ماند (Emile Jules Maney) اهل فرانسه و توما ادیسون (Thomos Edison) اهل آمریکا در خور توجه است. ژول ماند موفق به ثبت حرکات روی فیلم عکاسی شد و همین موفقیت را یک عکاسی دیگر بنام ادوارد می‌بریج (Edeard May Bridge) اهل آمریکا به دست آورد.

در سال ۱۸۹۳ توماس ادیسون موفق به اختراع دستگاه نمایش فیلم خود کینه توسکوپ شد دستگاه کینه توسکوپ (Kinetoscope) ادیسون محفظه‌ای بود که در آن برای نخستین بار فیلم بشکل یک نوار حرکت می‌کرد و تماشاگران برای دیدن فیلم چشم را به دریچه محفظه نزدیک کرده و از طریق یک عدسی تصاویر متحرک داخل دستگاه را تماشا می‌کردند.

دستگاه کینه توسکوپ ادیسون گرچه از لحاظ تقدم زمانی بر دستگاه سینه توگراف لویرها ارجعیت داشت و حدود دو سال زودتر از دستگاه نوارها اختراع شد ولی سینما توگراف لومیرها به لحاظ داشتن ویژگی‌های نمایشی بر روی تو فکنی فیلم روی پرده، سینمای واقعی بشمار می‌رفت لذا اولین نمایش عمومی ادیسون را توسط کینه توسکوپ شروع نمایش و اختراع سینما می‌توان دانست بلکه آنچه که در روز ۲۸ دسامبر سال ۱۸۹۵ در زیرزمین کافه شماره ۱۴ بلوار کاپوسین پاریس اتفاق افتاد مبدأ تاریخ سینما محسوب می‌شود. اکنون بر دیوار ساختمان گراند کافه سنگ مرمری نصب شده که نشان دهنده تاکید بر همین امر است. بر این لوحه مرمری نوشته شده است: ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ در اینجا اولین نمایش عمومی تصاویر متحرک با وسایل سینما توگراف اختراع برادران لومیر صورت گرفت. لوئی لومیر و آگوست لومیر دو پسر آنتون لومیر عکاس بودند. لوئی لومیر (۱۸۶۴-۱۹۰۱) که فیزیکدان و شیمیست بود نوعی شیشه عکاسی اختراع کرد که بعدها موجب پیشرفت کارش شد آگوست لومیر (۱۸۶۲-۱۹۵۴) نیز مسئول و عهده دار امور سرپرستی خانواده بود.

در سال ۱۸۹۳ آنتون لومی میر از کار کناره گرفته و کارگاه تماما در اختیار

دو برادر قرار گرفت و آن‌ها امکان یافتند تا به رویای تصاویر متحرک جامه عمل بپوشانند. گرچه پیش از آن‌ها کوشش‌های فراوانی در جهت عینیت بخشیدن به حرکت تصاویر صورت گرفته بود ولی این برادران لومیر بودند که اولین تصاویر به مفهوم کامل فیلم را ساختند و در اولین جلسه نمایش فیلم در ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ نمایش دادند.

برادران لومیر به دستگاه اختراعی خود به عنوان یک وسیله علمی و صنعتی صرف و نه اختراعی تجاری بلکه تنها رفع کنجکاوی علمی و جامه عمل بپوشاندن به رویای حرکت تصاویر نگاه می‌کردند لذا می‌توان اذعان کرد که در ابتدا سینما بیشتر یک وسیله تفریح و کنجکاوی در زمینه پیشرفت‌های اختراعی (Optical) بود.

خود لومی میرها تقدیر کرد که اختراع سینما توگراف آن‌ها نتیجه‌ی سال‌ها تلاش و مطالعه دانشندان و محققین درباره چگونگی به حرکت در آوردن تصاویر وسیعی در دنیای آن روز پرده پرده است سینماتوگراف لومی میرها به وسیله‌ی یک چنگک فیلم سوراخ دار را از مقابل دریچه‌ی نور پایین می‌کشید و بدینوسیله تصور را روی پرده می‌انداخت.

خانواده لومیرها نه سینما و نه دستگاه اختراع آن‌ها را جدی نگرفتند. آنان سینما را اختراعی بدون آینده می‌دانستند و کم‌کم این فکر را در خود برادران لومیر نیز رسوخ دادند.

در میان خانواده لومیرها لویی که به قابلیت‌های علمی سرشار و به خصوص داشت دیدگاه هنری و تجاری خود را از این پدیده برگرفته و صرفاً به عنوان یک وسیله تحقیقاتی و رفع کنجکاوی به آن می‌نگریست به همین جهت وقتی ژرژمه لیس (Melies) که در نمایش گرانه کافه حضور داشت به لومیر مراجعه کرده و خواستار دستگاه سینماتوگراف آن‌ها شد

لومیرها نه از روی تکبر و انحصار طلبی بلکه از جهت خیرخواهی پیشنهاد او را رد کرده و گفتند ... دستگاه ما فروشی نیست. این اختراع شاید بتواند برای مدتی کوتاه به عنوان یک کنجکاوی علمی مورد توجه قرار گیرد ولی هیچگونه آینده تجاری برای آن نمی‌توان متصور شد و شما با خرید این دستگاه مطمئناً ورشکست خواهید شد.

یکی از صاحب‌نظران چنین طرز تفکری را از کارهای لومیرها قبول ندارند و معتقدند که برادران مخترع سینما از همان ابتدای کار هدف تجاری، مالی و ... را در کار خود جستجو می‌کردند و جواب آن‌ها.

۴- به نظر می‌رسد که نه صرفاً از روی خیرخواهی بلکه برای دست بردن به لیس بون سس این عده در اثبات نظر خود می‌گویند اگر هدف لومیرها تحقیقات علمی و فنی مربوط به مقوله اپتیک بود می‌بایستی خیلی زود این دستگاه را رها کنند و به دنبال پژوهش‌های فیزیکی و شیمیایی دیگر بروند یا این که حداقل در سدد تکامل دستگاه ابتدایی خود برآیند و با توجه به این که در آن ایام ادیسون با کمک و یاری همکارش دیکسون در سدد تلفیق صدا و تصویر بر آمده بود و نیز مدت‌ها از اختراع دستگاه فونوگراف (ضبط و پخش صدا) توسط ادیسون مدتهاست و مسلماً خبرهای آنطرف اقیانوس اطلس به اروپا می‌رسید مطمئناً لوئیس بریه متخصص علوم فیزیک و شیمی بود در سدد بر می‌آمد این پدیده را به تحقیق و بررسی قرار دهد در صورتی که لومیرها چنین نکردند آن‌ها به همان دستگاه اولیه و ساده خود بسنده نمودند و تا سال ۱۹۰۰ که دستگاه خراب را واگذار کردند حدود شصت فیلم شخصاً ساخته و بیش از دو هزار فیلم نیز تهیه نمودند. به هر جهت چه بپذیریم که لومیرها هدف علمی تحقیقاتی داشتند و چه هدف مالی و تجاری یک نکته مسلم است این که دنیا برادران لومیر

را اولین پیشگامان سینما می‌شناسد و با معیارهای امروزی در ساخت فیلم آن‌ها را کارگردان می‌داند.

نکته دیگری را باید در نظر داشت که مربوط به واگذاری دستگاه سینماتوگراف و روی آوردن لوئی لومیر به تحقیقات علمی است و این نشان می‌دهد که لومیرها در نظرات خود و اظهاراتشان به ژرژمه لیس مذاق به‌دند، از نظر آن‌ها دستگاه اختراعی شان هیچ‌گونه آینده‌ای نداشت بدن جهت در سال ۱۹۰۰، هم دستگاه و هم امتیاز اختراعشان را به شرکت فدا سازی فرانسوی شارل پاته واگذار کردند. علاوه یادداشت‌های لوئی لومیر نشان می‌دهد که او بیش از آن‌که خود را یک هنرمند سینماگر کارگردان، فیلم‌بردار تا جز نمایش دهنده تصاویر متحرک بداند یک فیزیکدان و شیمیست می‌انست و به فعالیت‌های سینمایی‌اش بیشتر به چشم کنجکاوی و پژوهش علمی می‌نگریست.

او در یکی از یادداشت‌هایی که نویسد در پایان تابستان سال ۱۸۹۴ موفق شدم اولین فیلم خود را با نام خروج از کارخانه لومیر بسازم اگر در این فیلم دقت شود مشاهده می‌گردد که زن و مردان کلاه حصیری بر سر دارند و زنان همگی لباس تابستانی پوشیده‌اند. این فیلم برای اولین مرتبه در برابر اعضای انجمن حامیان صنایع ملی نمایش داده شده و در روز ۲۲ مارس سال ۱۸۹۵ مجدداً به نمایش خصوص در آمد و با استقبال خوبی من که توسط فیزیکدان مشهور و نیز ریاست انجمن، تقاضای ابرایش داده بود نمایش پایان یافت. این یادداشت نشان می‌دهد که حداقل لوئی لومیر سینما را بیشتر به عنوان وسیله‌ای برای تحقیقات فیزیکی و شیمیایی تلقی می‌کرد لذا اولین سال‌های دهه ۱۹۰۰ او مطالعاتی پیرامون فیلم رنگی به عمل آورد که این تحقیقات متکی به دانش و معلومات او پیرامون شیمی

بود. لوئی لومیر در ابتدای دهه ۱۹۲۰ نیز با بهره‌گیری از دانش فیزیکی‌اش شروع به پژوهش‌هایی در مورد نحوه ساخت پرژکتورهایی با سیستم پخش استریوفونیک کرد و در آخرین سال‌های عمر خود و در سال‌های ۱۹۳۶ اولین فیلم سه بعدی را به نمایش گذاشت.

امتیاز بزرگ دستگاه سینما توگراف برادران لومیر نسبت به نمونه‌های مشابه مثل دستگاه کنیه توسکوپ ادیسون و بیوسکوپ ویلیام پل این بود که سینما توگراف مانند دستگاه‌های نمایش امروز فیلم را روی پرده می‌انداخت. ملی مزیت عمده و مهم دیگر این وسیله سر هم بودن دستگاه فیلم‌برداری و نمایش دهنده بود یعنی سینما توگراف هم فیلمبرداری می‌کرد و هم نمایش می‌داد.

در فاصله ۱۸۹۵، ۱۹۰۰، ۱۹۰۰ (که در ۱۹۰۰ لومیرها دستگاهشان را واگذار کردند) لوئی لومیر با مزارش امروزه کارگردان بشمار می‌رود فعالیت فراوانی از خود نشان داد. او در این فاصله به کمک برادرش اگوست شصت فیلم ساخت و متجاوز از دو هزار فیلم تهیه کرد.

در مدتی بسیار کوتاه دستگاه اختراعی لومیرها دنیا گیر شد و فیلم‌های آن‌ها در تمام نقاط جهان به نمایش درآمد. لومیرها فیلمبرداران را استخدام کرده و به کشورهای همجوار یعنی ممالک غیر اروپایی فرستادند تا هم کار فیلمبرداری انجام دهند و هم نمایش فیلم. فیلمبرداران آن‌ها به روسیه، ایتالیا، انگلستان و هند نیز نقاط دنیا رفتند. در انگلستان رقص سیاهپوستی را در خیابان لندن فیلمبرداری کردند. در هندوستان از مهاراجه هندی فیلم گرفتند. در روسیه تاجگذاری نیکلای دوم را ثبت نمودند و در ایتالیا از قایقرانی روی دریاچه فیلمبرداری نمودند. آن‌ها علاوه بر فیلمبرداری و نمایش در کشورهای مختلف عده‌ای را نیز آموزش داده و بطرف هنر و صنعت سینما سوق دادند.